

Research Article

Analysis of the Pendulum Development of Industry and Lifestyle in Yazd

Manouchehr Alinejad¹ 

Associate Professor, Department of Social Sciences, Yazd University. Yazd, Iran.

Fateme Diovkosh 

BA in Social Sciences, Ministry of Education, Yazd Province, Yazd, Iran.

Monireh Noori 

BA in Social Sciences, Ministry of Education, Yazd Province, Yazd, Iran.

Received: 2025/02/28 Accepted: 2025/05/06

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.2054676.1025> 

Extended Abstract

Introduction: The obligation to industrial development within the framework of modernization theory in Iran has been accompanied by numerous challenges and has existed along a continuum, from obligation to development to development and conflict. On the other hand, the process of industrialization in Iran has varied across provinces based on local conditions and temporal-spatial coordinates. In Yazd, with its lifestyle, which is characterized by hard work and a production-oriented approach, this issue has led to flourishing of local industry. Government interventions during the post-revolutionary period have had unintended consequences, which have resulted in multiple narratives of industrial development with specific outcomes. The aim of this research is to investigate the nature of the development pattern in Yazd based on the traditional-interventionist contrast of industrial development in this region.

Method: The method used in this research is qualitative ethnographic approach. Data collection was carried out through interviews, and the data analysis method was content analysis. The sample studied in this study consisted of 12 experts and Yazd specialists, selected through purposive sampling. The reliability of the research was established in terms of validity, transferability, and confirmability.

Findings: The research findings indicate an unbalanced pattern of industrial development in Yazd, which has created a specific lived experience and can be categorized into three patterns. The first pattern is “an industrial development pattern compatible with Yazd’s lifestyle”, which has features such as “Karizi” civilization, the “Hanasabi” industry, the confectionery industry, textiles, poetry weaving, weaving wealth, “cashmere”, and compatible industries on a workshop scale. The second pattern is “a borrowing industrial development pattern with rentier interventions” in steel, tile, mine, and capital- and water-intensive industries, associated with conflicting backgrounds such as excessive immigration, uncontrolled expansion of profitable polluting industries, and the growth of consumer culture. The third pattern, “the model of commitment to sustainable industrial development”, aligns with Yazd’s global registration. This model, which reflects a rethinking of industrial development and territorial planning, is expected to prevent the negative consequences of borrowed development and to offer a clear perspective for industrial progress. These three axes have been built around the fundamental concept of “pendulum industrial development.”

Conclusion: The nature of industrial development in Yazd, rooted in Iran’s industrial development model but with some specific features, has been able to create a unique development experience. However, the development perspective in Yazd in the form of “pendulum industrial development” suggests conflicts, fluctuating between the existence of water-intensive industries, tourism and transformation industries.

Keywords: Pendulum movement, Biodiversity, Lifestyle, Industrialization, Yazd

Citation: Alinejad, M., Divkosh, F. & Noori, M. (2025). Analysis of the Pendulum Development of Industry and Lifestyle in Yazd. *Journal of Industrial Sociology*, 1(2), 135-153

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر توسعه پاندولی صنعت و سبک زندگی در یزد

منوچهر علی نژاد¹

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

فاطمه دیوکش

کارشناس علوم اجتماعی، آموزش و پرورش استان یزد، یزد، ایران.

منیره نوری

کارشناس علوم اجتماعی، آموزش و پرورش استان یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: 1403/12/10 تاریخ پذیرش: 1404/02/16

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.2054676.1025>

چکیده مبسوط

مقدمه: الزام به توسعه صنعتی در قالب نظریه نوسازی در ایران با چالش‌های زیادی همراه بوده و در درون پیوستاری از «الزام به توسعه» تا «توسعه و تضاد» قرار داشته است. از طرفی، فرایند صنعتی شدن در ایران با شرایط و مختصات زمانی - مکانی هر استان متفاوت بوده است. این مسئله در یزد با سبک زندگی یزدی، که با سختکوشی و تولیدمحوری همراه بوده، به شکوفایی توسعه صنعت بومی انجامیده است. مداخلات دولتها در طول دوران بعد از انقلاب پیامدهای ناخواسته به دنبال داشته است که به چندگانگی «روایتی» از توسعه صنعتی با پیامدهای خاص، منجر شده است. هدف این تحقیق، مطالعه ماهیت الگوی توسعه در یزد بر اساس تقابل سنتی - مداخله‌ای توسعه صنعتی در یزد است.

روش: روش مورد استفاده در این پژوهش روش کیفی، از نوع مردم نگارانه بوده است. ابزار جمع آوری داده‌ها، مصاحبه، و تکنیک تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون بوده است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل 12 نفر از کارشناسان خبره و یزدشناسان بوده است که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. قابلیت اعتماد تحقیق در اعتبار، انتقال و تأییدپذیری محقق شد.

یافته‌ها: توسعه صنعتی نامتوازن در یزد، تجربه زیسته خاصی را در این شهر رقم زده و در سه دوره الگویی، قابل تفکیک است. الگوی اول، «الگوی توسعه صنعتی تطبیق‌پذیر با سبک زندگی یزدی»، که با ویژگی‌هایی چون تمدن کاریزی، صنعت حناسابی، صنعت شیرینی، نساجی، شربافی، دارایی بافی، ترمه و صنایع سازگار در مقیاس کارگاهی مشخص می‌شود. الگوی دوم، «الگوی توسعه صنعتی عاریتی با مداخلات رانتی» در صنایع فولاد، کاشی، معدنی و صنایع سرمایه‌بر و آب بر است که با زمینه‌های تضادآفرین مهاجرت بی‌رویه، گسترش بی‌قواره صنایع آلاینده سودآور و گسترش فرهنگ مصرفی، همراه شده است. و الگوی سوم، «الگوی الزام به توسعه صنعتی پایدار» است که با ثبت جهانی یزد همسو است. این الگو برخاسته از نوعی بازاندیشی در توسعه صنعتی و آمایش سرزمینی است و انتظار می‌رود از پیامدهای منفی توسعه عاریتی دور بوده و چشم‌انداز روشنی از توسعه صنعتی را ترسیم کند. محورهای سه‌گانه، ذیل مفهوم «توسعه صنعتی پاندولی» بر ساخت شده است.

نتیجه‌گیری: ماهیت توسعه صنعتی در یزد به تبعیت از الگوی توسعه صنعتی در ایران، و با برخی ویژگی‌های اختصاصی و ممتاز، توانسته است تجربه خاصی از توسعه را رقم زند. اما چشم‌انداز توسعه در یزد در قالب «توسعه پاندولی صنعت» دلالت بر تعارضاتی دارد که بین وجود صنایع آب بر و صنایع مرتبط با گردشگری و صنایع تبدیلی، در نوسان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حرکت پاندولی، چندگانگی زیستی، سبک زندگی، صنعتی شدن، یزد.

ارجاع: علی‌نژاد، منوچهر، دیوکش، فاطمه، نوری، منیره. (1404). تحلیلی بر توسعه پاندولی صنعت و سبک زندگی در یزد. مجله جامعه‌شناسی

صنعتی، 1(2)، 135-153.

1. ایمیل نویسنده مسئول: m.alinejad@yazd.ac.ir

ادوار، نقش دولت و بازخورد آنها در مواجهه با توسعه صنعتی مهم بوده است. در واقع جامعه ایران از دیر وقت روند صنعتی شدن را تجربه کرده و با انجام انقلاب سفید و اصلاحات ارضی در دوره پهلوی روند شهرنشینی و صنعتی شدن تشدید شده. در اصل روند تحولات صنعتی در ایران پیچیده بوده و معرف هویت توسعه صنعتی با سبک زندگی خاص جامعه ایرانی است. دسته بندی از روندهای توسعه صنعتی در ایران متفاوت بوده و برخی معیارهای سیاسی را مبنا قرار می‌دهند. مطالعات شریف زادگان و نورایی (1394) توسعه صنعتی در ایران را به سه دوره تاریخی شامل: از شروع قرن 13 تا پایان سلسله قاجار، از شروع سلسله پهلوی تا انقلاب اسلامی ایران و از شروع دوره انقلاب اسلامی تا زمان حاضر تقسیم کرده است. برخی دیگر از مطالعات با رهیافت آسیب‌شناسانه به مطالعه توسعه صنعتی در ایران پرداخته و آسیب‌های استراتژی‌های توسعه صنعتی در ایران را حول محورهای چون: فقدان نظریه دولت و الگوی استراتژی توسعه صنعتی در ایران، وجود انواع شوک‌ها همچون شوک‌های نفتی، سیاسی و انقلاب، شوک‌های مدیریتی، فرهنگ مدیریت غیربرنامه‌ای، فقدان آمار و اطلاعات و کاستی‌های برنامه‌ریزی و قانون نویسی در توسعه صنعتی دانسته‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس: 1400). روایت غالب در مطالعات مربوط به توسعه، غالباً بر اساس رویکرد مدیریتی و اقتصادی بوده تا رویکردهای اجتماعی، که برآیند آن مطالعات، ارایه مدل‌ها و الگویی‌های از توسعه صنعتی بر اساس ظرفیت‌ها و یا، در یک وضعیت خوش‌بینانه، بر اساس آمایش سرزمینی بوده است. به علاوه، مطالعات انجام شده به ترسیم نقش صاحبان قدرت و دولت‌ها در توسعه پرداخته که برآیند توسعه در آن وجود ظرفیت‌های بالایی از لابی و چانه‌زنی برای جذب سرمایه‌گذاری برای توسعه صنعتی و بسیج منابع از جمله نیروی انسانی، فناوری، تأمین منابع و آب برای پیشبرد اهداف توسعه بوده است. اما وجه نوآورانه در این نوشتار اتخاذ نوعی رویکرد جامعه‌شناختی به توسعه صنعتی در یزد است که

توسعه صنعتی به تغییرات و پیشرفت‌های یک کشور در حوزه صنعت اشاره دارد، که در پیوند با مناسبات تولیدی، شیوه‌های سازماندهی تولید و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی تولید، به خلق محصولات تولیدی در جامعه می‌انجامد. این مسئله با رویکرد جامعه‌شناختی صنعتی به مطالعه پیچیدگی روابط متقابل صنعت و جامعه می‌پردازد (احمدی، 1393). در واقع هر جامعه‌ای داستان و زیست صنعتی خاص خود را داشته که با زیست اجتماعی آن جامعه در ارتباط است. زیست اجتماعی توسعه در ایران متناسب با شرایط اقلیمی و تجربه تاریخی و فرهنگی مختص جامعه ایرانی بوده و با ماهیت عملکرد تاریخی دولت‌ها از دوره قاجاریه، پهلوی تا دوره اسلامی در تناسب بوده است. گویی توسعه در هر عصری صبغه و رنگ و بوی آن عصر را دارد. اینکه ما چگونه می‌اندیشیم، چگونه عمل می‌کنیم و این عمل چگونه در عرصه کنش جمعی جامعه بر ساخت می‌شود، تأییدکننده نوع سبک زندگی فردی یا گروهی جامعه ما است که با الگوی خاص توسعه مرتبط است. این زیست اجتماعی در قالب نوعی سبک زندگی فراگیر و در پیوند با متغیرهای هویت‌بخش دینی، سنتی و مدرن ترکیب‌بند جدیدی ایجاد کرده که قابل تحلیل است. امروزه ورود صنعت و فناوری در زندگی انسان‌ها باعث بروز تغییرات فراوانی در زمینه کیفیت و سبک زندگی آنان شده است که با پیشرفت و توسعه جوامع و توجه به این امر، این مسئله تحت عناوینی مانند توسعه پایدار به یکی از دغدغه‌های پژوهشگران تبدیل شده (فخرالدینی و زنجیرچی، 1398). واقعیت این است که روند صنعتی شدن در ایران آهنگی کند و پرتلاطم را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد به لحاظ تاریخی روند صنعتی شدن در دوره صفویه یک وضعیت بومی و پایدار را تجربه کرده ولی در دوره قاجاریه دارای ماهیتی محدود و وابسته بوده است. این مسئله در دوره پهلوی شبه مدرن و نوپا بوده و در انقلاب اسلامی در مقیاسی فراگیر گسترده شده است. اما در همه

است و چارچوب کلی زندگی را مشخص ساخته و به لحاظ مفهوم و کاربرد، شئون گوناگون زندگی انسانها را دربر می‌گیرد. سبک زندگی مجموعه ترجیحات و انتخاب‌های الگومندی است که افراد یا گروه‌های اجتماعی از آنها به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف خود از قبیل بیان هویت، نشان دادن تعلق و تمایز استفاده می‌کنند. نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی معتقدند که مفهوم سبک زندگی متعلق به عصر مدرن بوده و بیشتر به مقوله مصرف‌گره خورده است نه گذشته و سنت. در واقع برخی بر این باورند که با تفکیک تولید از مصرف، ارزش کار از ارزش مصرفی یک کالا و یا با ظهور نمادهای و نشانه‌های جدید مصرف، مسئله سبک زندگی پررنگ شده است (اباذری و چاوشیان، 1381). اما این موضوع با ذات و اصل این نگارش سنخیت ندارد. چون یک پیش‌فرض محوری در تعریف سبک زندگی وجود نظام ارزشها و باورهایی است که در شیوه‌های عمل جمعی مردم یک کشور مشخص بوده است. همچنان‌که اباذری و چاوشیان در مطالعات خود درباره «طبقه و سبک زندگی» هم به ویژگی پسین سبک زندگی، هم به ویژگی شاخص طبقه بودن سبک زندگی و هم به وجه متمایز سبک زندگی در چرخش جامعه شناختی نوین پرداخته‌اند (اباذری و چاوشیان، 1381). بر این اساس یکی از مناسب‌ترین راههای شناخت و تعریف مفهوم «سبک زندگی»، تبیین آن به واسطه بررسی عوامل سازنده آن مانند شیوه زندگی، فرهنگ، رفتارها، الگوهای زیستی و... است. توجه به سبک زندگی یزدی‌ها در توسعه صنعتی مسئله مهمی است که این نوشتار سعی در مطالعه آن دارد. به لحاظ نظری مطالعه سبک زندگی با توسعه تا حدودی با رویکردهای مربوط با ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و یا پیوست اجتماعی و فرهنگی همسو است. لذا می‌تواند حایز اهمیت بوده و به همسویی اجتماعی و فرهنگی با توسعه صنعتی و یا عدم همسویی آن اشاره کند.

دلالت بر نوعی همسویی و همگرایی شکننده بین ظرفیتهای اجتماعی و فرهنگی با توسعه صنعتی دارد. هویت یزد و یزدی‌ها به عنوان یک شهر تاریخی و شناسنامه‌دار نیز داستان خاصی از توسعه دارد. هر چند داستان و روایت توسعه صنعتی در ایران یک الگوی قابل تعمیم برای تمام کشور بوده و می‌توان از الگوی واحدی برای توسعه صنعتی در ایران سخن گفت؛ اما یزد به عنوان «استثنایی بر قاعده» (مرشدی و علی نژاد: 1400) در مواجهه با صنعتی شدن ترکیب متفاوتی به خود گرفته است. در واقع هر چند الگوی توسعه در ایران از یک الگوی خطی و قابل تعمیم تبعیت می‌کند؛ اما فرایند صنعتی شدن در شهر یزد در نوع خود دارای جزئیات خاص و ممتاز است. به نظر می‌رسد الگوی توسعه در ایران با غلبه رویکرد نوسازی و صنعتی شدن همسو هست، الگویی که نسخه خطی و جهانی آن با آثار و پیامدهای ناخواسته و انباشتی همچون نابرابری و بحران زیست محیطی و تضاد (رفیع‌پور، 1396)، نمایان شده است. اما توجه به ارزیابی تأثیرات اجتماعی، با هدف توجه به همسویی آثار اجتماعی و فرهنگی با مداخلات توسعه، می‌تواند حایز اهمیت باشد و مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی هم آثار مثبت و هم آثار منفی توسعه را بر اساس نظریه تعادل خالص¹ می‌سنجد (فاضلی، 1391).

سبک زندگی در لغت، به معنای چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسانها تعریف شده است (بیرو،² 1380). سبک زندگی در اصطلاح، شیوه مواجهه با مهمترین وظایف زندگی است. وبلن در کتاب تئوری طبقه مرفه، از مفهوم شیوه زندگی برای بیان تمایز طبقه مرفه و نمودی از جایگاه طبقاتی آنها، استفاده کرده است (وبلن،³ 1403). برای نخستین بار واژه «سبک زندگی» در آثار آلفرد آدلر⁴ برای اشاره به شخصیت فرد از کودکی تا پایان زندگی مطرح شد (آدلر، 1954). امروزه سبک زندگی، با کل زندگی مرتبط

3. Veblen
4. Adler

1. Net balance
2. Birou

راهبردی توسعه پایدار صنعتی در استان یزد» به روش کیفی و تکنیک دلفی، راهبردهایی را معرفی می‌کند که دارای سه بعد زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. این راهبردها، شرط تحقق توسعه پایدار در یزد هستند. قاردا و گلرومفرد (1392) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت نوآوری در خوشه صنعتی نساجی یزد» به مطالعه جنبه‌های مختلف دانش و فناوری، مالی، سرمایه‌گذاری، نوآوری و کارآفرینی در خوشه صنعتی یزد پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، فعالیت‌های مربوط به نوآوری در وضعیت نامطلوب هست. شرایط بازار، نبود تقاضا و عدم وجود فرهنگ همکاری برای نوآوری دلیل بر وضعیت خوشه‌های صنعتی و در مقابل عوامل هزینه‌ای و درآمدی عوامل مهم در خلق نوآوری‌ها بودند.

بولی¹ (2021) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ صنعتی در اصل چیست؟ چارچوب مفهومی بر جغرافیای اقتصادی» به مطالعه مفهومی نظری فرهنگ، توسعه صنعتی، و ساختارهای جغرافیایی پرداخته است. این مطالعه، فرهنگ صنعتی را مفهوم‌سازی کرده و با بررسی طیف وسیعی از ادبیات جغرافیا و رشته‌های مرتبط، آنرا به بحث‌های جاری در زمینه‌های مختلف جغرافیا مرتبط می‌سازد. این بررسی در چهار رویکرد نظری طبقه اجتماعی، انسان‌شناختی، نهادی، و تکاملی به مطالعه می‌پردازد. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد، فرهنگ صنعتی به عنوان پدیده‌ای پویا تعریف شده و در آن تولید صنعتی با محیط فیزیکی انسان، ساختارهای اجتماعی، توانایی‌های شناختی و نهادی جاسازی شده است. این مفهوم دیدگاه ظریف‌تری از جنبه‌های ناملموس فرهنگ را به جغرافیای اقتصادی می‌آورد تا مبنای نظری و تجربی آن را تقویت کند. این مطالعه به بررسی چگونگی ادغام این مفهوم در تحقیقات جغرافیایی فعلی می‌پردازد و بر تعامل بین فرهنگ صنعتی و توسعه منطقه‌ای از طریق رویکردهای

هدف این تحقیق، مطالعه روند توسعه صنعتی در یزد با محوریت سبک زندگی یزدی‌هاست. اینکه، چه ارتباطی بین سبک زندگی یزدی‌ها و توسعه صنعتی آنها وجود دارد؟ و چگونه می‌توان آن را تحلیل کرد؟

پیشینه پژوهش

عالی‌نژاد و مرشدی (1400) در تحقیقی با عنوان «سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای اجتماعی فرهنگی سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته»، نشان دادند، بین سبک زندگی یزدی‌ها با روحیه سخت‌کوشی و رواداری فرهنگی یزدی‌ها تناسب وجود داشته و با همسویی بین مرجعیت دینی سنتی و فضاهای اجتماعی مبتنی بر محیط مذهبی و بازار و کار و خانواده، به شکل‌گیری سبک‌زندگی تطبیق پذیر انجامیده و این سبک با همسویی بین معماری با نظام سنت‌های دینی و اقلیم در بروز قابلیت تجدیدپذیر سبکی، نمودار شده است. مرشدی (1400)، در پژوهشی با عنوان «تحلیلی انتقادی بر مدل‌های تبیینی کلان از تاریخ سیاسی اقتصادی ایران با تأکید بر تاریخ محلی شهر یزد»، ضمن مرور برخی از مهم‌ترین نظریه‌های شرق‌شناسانه و نظریه پردازان ایرانی، کوشیده است تبیینی از تاریخ سیاسی اقتصادی ایران ارائه دهد. رویکردها به سبب ماهیت کلان‌شان و نیز تحت تأثیر ایده اروپامحوری، بسیاری از ویژگی‌ها و جزئیات تاریخی را که برای فهم برخی دوره‌های تاریخ ایران یا تاریخ سیاسی اقتصادی برخی مناطق ایران ضروری هستند، نادیده می‌گیرند و لذا دعاوی آنها قابل تعمیم به همه دوره‌های تاریخی و همه مناطق ایران نیست. نتایج این پژوهش که به شیوه اسنادی انجام شد نشان داد، تاریخ سیاسی اقتصادی یزد، به منزله یکی از مناطق فلات مرکزی ایران، به عنوان استثنائی بر قاعده، با روایت‌های کلان، سازگار نیست و می‌تواند به منزله ویژگی ممتاز برجسته گردد. جعفری ندوشن (1399) در مطالعه‌ای با عنوان «ارائه مدل

1. Bole David

چندان مورد توجه نبوده است. به علاوه، این پژوهش در پی مطالعه پیامد مداخله دولت‌ها در چندگانگی «روایتی» از توسعه صنعتی است که علی‌القاعده در پژوهش‌های پیشین مرسوم نبوده‌اند.

چارچوب مفهومی

با توجه به ماهیت کیفی این نوشتار، چارچوب نظری در این پژوهش مصداق نوعی حساسیت نظری بوده (بلیکی⁴، 1387) و محقق سعی دارد در آن به جای عملیاتی‌سازی و فرضیه‌سازی، جهت‌گیری کلی پژوهش و سوالات نوشتار را بر حسب نظریات مناسب انتخاب و به عنوان راهنمای تحقیق از آن بهره برد. تاریخ توسعه در ایران در درون طیفی از رویکردهای شرق‌شناسانه و ایران‌شناسانه تا رویکردهای نوین توسعه قرار گرفته است که هر کدام بر اساس پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی یک بعد از توسعه را برجسته و یا وجهی دیگر را حذف می‌کند. این رویکردها با وجود قابلیت‌های تبیینی مناسب در مورد جامعه ایران از برخی ابعاد غفلت کرده و گاه‌گاه به تعمیم‌های کلی و ناروا در مورد ایران بسنده می‌کنند. دوره‌های تجربه صنعتی در ایران ابتداء از سده نوزده شروع و تا اوایل سده نوزده ادامه یافت اما به دلیل دولت سنتی و پدرسالار و فشارهای دول استعماری ناموفق بوده و در دوره دوم به سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در دوره پهلوی برمی‌گردد که با ظهور دولت مقتدر، نوسازی، ایجاد نهادهای جدید اجرایی، نظامی، مالی، قضایی، آموزشی و اتخاذ سیاستهای حمایتی و صنایع ماشینی رونق گرفت. اما این روند به دلیل استراتژی جایگزینی واردات ناشی از درآمدهای نفتی و ناتوانی رقابت و تحقق انقلاب اسلامی به افول انجامید (برادران شرکاء و هادی زوز، 1382). آنچه مهم است تجربه صنعتی شدن در ایران پرفراز و نشیب بوده و برخی نظریه‌پردازان ایرانی از مفهوم «توسعه توسعه

مختلف در جغرافیای اقتصادی تمرکز دارد. ژنگ و چان¹ (2014) در تحقیقی با عنوان «تأثیر خوشه‌های صنایع خلاق بر توسعه صنایع فرهنگی و خلاق در شانگهای» به مطالعه تأثیرات فرهنگی صنایع خلاق پرداخته‌اند. خوشه صنعتی خلاق، به نوعی از محله‌های شهری اشاره دارد که تمرکز بالایی بر فعالیت‌های فرهنگی و شرکت‌های صنایع خلاق با شبکه‌های محلی دارند که ارزش افزوده ایجاد می‌کنند. این نوع خوشه، اغلب به عنوان یک استراتژی توسعه‌ای استفاده می‌شود که از طریق فراهم کردن محیط فرهنگی مساعد و اثرات تجمعی، صنایع فرهنگی و خلاقیت‌های فردی را ترویج می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اگرچه خوشه‌های صنعتی خلاق حاوی برخی اثرات خوشه‌بندی عملکردی هستند، اما به طور مؤثر از شرکت‌ها یا افراد کوچک صنایع خلاق حمایت نمی‌کنند و به سیاست‌های فرهنگی که رشد فرهنگ و خلاقیت‌ها را سرکوب می‌کند، ادامه می‌دهند. بایرن² (2002) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ صنعتی شدن در دنیای پساصنعتی: مورد مطالعه شمال شرق انگلستان» به بررسی تأثیرات پساصنعتی پرداخته است. وی مطالعه خود را با محوریت آگاهی طبقه پورلتاریا بررسی کرده و اینکه چگونه در عصر پساصنعتی آگاهی طبقه کارگر همچنان حفظ و بازتولید می‌شود. نتایج این تحقیق با استناد به کار ریموند ویلیامز³، نشان می‌دهد، ساختار صنعتی و احساساتی که «شیوه‌های زندگی» را شکل می‌دهند، فراتر از دوره صنعتی‌گرایی، همچنان یک ویژگی برای بسیاری از گروه‌های اجتماعی و نه فقط پورلتاریا باقی می‌ماند. همچنین، نتایج این تحقیق به پیوند بین فرهنگ صنعتی و اشکال فرهنگی نوظهور و ویژگی سرمایه‌داری مصرف‌گرا پرداخته است.

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد، صنعت و زمینه‌های فرهنگی آن دغدغه پژوهشگران بوده است با این حال، مطالعه روند توسعه صنعتی با محوریت سبک زندگی،

3. Raymond Williams
4. Blakey

1. Zheng & Chan
2. Byrne

سازمانی بسنجد. بر این اساس مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی با محور قرار دادن ملاحظات اجتماعی سعی می‌کند زمینه را برای مداخلات مشروط و با محوریت مشارکت، همدلی و کاهش تأثیرات منفی و تقویت تأثیرات انباشتی مثبت فراهم کند.

رویکردهای سبک زندگی: در گذشته سبک زندگی با

نظام باورها و اعتقادات دینی و سنتی مرتبط بوده است. در واقع سبک زندگی در گذشته با رویکرد بوم‌شناختی، معیشت‌محور و سازگار با نظام باورها و اعتقادات همسو بوده است. و به دلیل ایستایی و عدم تحرک زیاد، سبک زندگی ماهیتی ایستا و تطبیق‌پذیر داشته است. سبک زندگی ایرانی به لحاظ نظری با رویکرد پاتریمونالیسم سیاسی، جامعه امنیتی، نظام ارباب رعیتی و یا حاکمیت مبتنی بر آب و جامعه دینی مرتبط بوده و این مسئله در یزد تابع نوعی الگوی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر با زیست‌بوم یزدی‌ها همسو بوده است. سبک زندگی یزدی‌ها با تجارت محوری، ارزشهای محله محوری، توسعه صنایع بومی، تمدن کاریزی، غلبه ارزشهای روادارانه و مذهبی به ظهور سبکی خاص انجامیده است. رویکردهای سبکی در دوران مدرن با گذشته متفاوت است. امروزه مفهوم سبک زندگی (به لحاظ جامعه‌شناختی) متمایز از گذشته است. اگر در گذشته سبک زندگی و رویکردهای نظری سبک زندگی بر تمایز عرضه کار و محیط کار، طبقه اجتماعی و مناسبات تولیدی بوده، اما امروزه سبک زندگی به لحاظ نظری بر مصرف، فراغت و سبکهای نوظهور و سیال گره خورده است. لذا جامعه‌شناسان اولیه و کلاسیک کمتر به سبک زندگی توجه داشته بیشتر به بررسی مناسبات تولیدی، روابط تولید و تولید تأکید داشتند. اما امروزه سبک زندگی با برجسته سازی مصرف، جدایی تولید از مصرف، مصرف گرایی، فرهنگ چشم هم چشمی و تن آسایی و فرهنگ نمایشی، با حیات شهری، با تبلیغات، با جنسیت و زنان، با گروه‌های

نیافتگی» (آزاد ارمکی، 1397) و برخی از مفهوم «توسعه و تضاد» (رفیع پور، 1379) و برخی از «توسعه وابسته و مقاومت شکننده» (فوران¹، 1402) سخن به میان می‌آورند. اما آنچه مسلم هست داستان توسعه در ایران و کشورهای نفتی با فرآیند نوسازی و نفتی شدن در دوران یک معمایی قرار دارد که از آن با عنوان «معمای فراوانی» (تری لین²، 1391) نام برده می‌شود. معمایی که در متن و بطن خود با همزمانی و فور منابع، تمرکز قدرت و ثروت، رواج مصرف گرایی با ضعف بخش تولید، نابرابری و نارضایتی اجتماعی همراه است. بر این اساس یکی از نظریات معتبر در حوزه توسعه صنعتی در ایران نظریه «دولت رانتی» است که با خود آثار و پیامدهای ناخواسته زیادی را رقم زده است. غلبه اقتصاد دولتی، وجود امتیازات و امضاها، پلائی، ناکارآمدی بروکراتیک و فرصت سوزی‌ها بخشی از حقیقت توسعه در ایران است که با دولت رانتی مرتبط بوده است. اما در این نوشتار با رویکرد جامعه شناختی به مطالعه اهمیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی و رویکرد «سبک زندگی» اشاره خواهد شد که در فرهنگ یزدی به بسترماندی توسعه بویژه توسعه صنعتی و همسویی آن با علایق و کنشگری اقتصادی یزدی‌ها اشاره دارد.

رویکردهای ارزیابی تأثیرات اجتماعی: ارزیابی

تأثیرات اجتماعی به بررسی و مطالعه پیامدهای ناخواسته و قصد نشده مداخلات توسعه اشاره دارد که در قالب طرح‌ها و برنامه‌ها زمینه را برای تغییرات اجتماعی ساختاری و یا برهم زدن تعادل زیستی فراهم می‌کند. پیش‌فرض مطالعات ارزیابی بر اساس نظریه تعادل خالص، تحلیل هزینه-فایده³ و پیامدسنجی بوده و سعی دارد تا با ارزیابی تأثیرات مثبت و منفی، خواسته و ناخواسته تأثیرات اقدامات توسعه‌ای، آن را در ارتباط با سهام‌داران اعم از برنده و بازنده، ذی‌نفعان یا ذی‌نفوذان و همه گروه‌های اجتماعی اعم از زنان مردان، معلولان، صدهای ناشیده و سایر گروه‌های هدف فردی، گروهی و

طبقه مارکس، منزلت اجتماعی وبر و تراژدی فرهنگی زیرمیل می‌توان جستجو کرد. اما در رویکردهای مدرن سبک زندگی با تفکیک بین تولید و مصرف و جایگزینی ترجیحات مصرف‌محوری بر تولیدمحوری استوار است. در دوره کلاسیک مفهوم سبک زندگی جایگاهی در میان نظریه پردازان جامعه‌شناختی نداشته و یا تنها تابعی از رفتارهای تولیدی و اجتماعی بوده است. اما دوره مدرن و بویژه پست مدرن مفهوم سبک زندگی برجسته شده و با مفاهیمی چون مد، مصرف، فضا، بازنمایی، فضای مجازی مرتبط شد.

اجتماعی مختلف نظیر جوانان، نوجوانان، کودکان، با فضای مجازی پیوند خورده و جامعه را آستان تغییرات وسیعی کرده است. واقعیتی که جرج زیرمیل¹ از آن به عنوان «تراژدی فرهنگی» نام می‌برد. رویکردهای جامعه‌شناختی سبک زندگی با فرآیند شکل‌گیری و تکوین جامعه‌شناسی مرتبط بوده و در درون طیفی از رویکرد اثباتی و عقلانی تا پست مدرن در نوسان بوده است. در رویکردهای اولیه جامعه‌شناسی، مفهوم سبک زندگی جایگاهی نداشته و اغلب به طور غیر مستقیم، آن را می‌توان در اخلاق اثباتی دورکیم،

جدول 1. سبک زندگی و جامعه‌شناسی

ویژگی های سبک زندگی	رویکردهای جامعه‌شناختی
تولیدمحور، منزلت محور و تابع اخلاق اثباتی تراژیک	کلاسیک
فردمحور، مصرف‌محور، مصرف مظاهرانه، چشم همچشمی، تمایزبخش و تابع سیاست زندگی و بدن	مدرن
تابع تکرر فضایی، سبک‌های نامتعارف، بازنمایی شده و تابع بازی های زبانی و نمادها، شهر مصرفی و مصرف شهر	پست مدرن

جغرافیایی در پهنه شهری جدید تبدیل کرده‌اند. نشانه‌ها و عناصری چون حصارکشی دور منازل، ایجاد محلات خاص شهری و عدم فروش زمین به همه و مرزبندی فضایی و جغرافیایی در شهر و مصرف کالاهای خاص، گسترش فضاهای زیست شبانه و کافی‌شاپی، تمایز و تفاخر در مصرف انواع مارک‌ها و برندها و... از مصادیق سبک‌های زندگی خاص در این گروه‌هاست.

آنچه از این بخش نظری قابل استنتاج است، این است که سبک زندگی یزد و یزدی‌ها از بستر تاریخی و تمدنی خود در سنت، مذهب، شرایط و ساختارهای اقلیمی کم آب و با امنیت نسبی و ظرفیت مواصلاتی و تجاری بالا و به عنوان یک شهر پیرامونی با اعتقادات عمیق دینی و مذهبی زمینه را برای یک روادارانه فراهم کرده و در پیوند با سبک‌های نوظهور زندگی و در ارتباط با صنعتی شدن باعث تقویت برخی ابعاد شخصیتی یزدی‌ها گردیده است. صورتبندی

در کل جامعه‌شناسانی چون کارل مارکس² با طرح مفهوم از خودبیگانگی، وبر با طرح تفکیک مفهوم منزلت و طبقه، زیرمیل با طرح تراژدی فرهنگی به عنوان نظریه‌پردازان کلاسیک و توریسین وبلن با طرح مفهوم «طبقه تن آسا و جامعه مصرف زده»، گیدنز³ با طرح «سیاست زندگی و سیاست بدن» و مفهوم «بازاندیشی» و بوردیو⁴ با طرح مفهوم «ذایقه و عادت واره»، نظریه تمایز، به بررسی انواع سبک در جامعه مدرن پرداخته‌اند. همچنین برخی جامعه‌شناسان پسامدرن سخن از شهرهای مصرفی به میان می‌آورند که گویی کل شهر و حیات شهری با عناصر آن به مظهر مصرف و سبک زندگی مدرن تبدیل شده‌اند. این نظریه‌پردازان به عنوان نظریه‌پردازان پست‌مارکسیست به مطالعه کل شهر به عنوان مظهر سبک‌های نوین زندگی می‌پردازند که در آن شهرها با خلق نشانه‌ها و نمادهای تمایزبخش مفهوم نابرابری طبقاتی (به مفهوم مارکسی) را به تمایز و تفکیک فضایی و

4. Pierre Bourdieu

1. George Simmel
2. Karl Marx
3. Anthony Giddens

برخی ویژگی‌های مفهومی مرتبط با سبک زندگی در جدول زیر بیان شده است:

جدول 2. برخی ویژگی‌های ممتاز سبک زندگی

برخی ویژگی‌های سبک زندگی
ترکیبی از صورت(سبک) و معنا(زندگی)
داشتن معنایی یکپارچه و مشترک در بین اعضای گروه اجتماعی خاص
شیوه خاص اندیشه، بیان و عمل فردی، گروهی یا جمعی
داشتن تجربه و الگویی مشترک
درک یک کل منسجم
رفتارهای قابل مشاهده و آشکار و رفتارهای پنهان و غیرملموس
عامل وحدت در زندگی و انسجام در رفتار
روش‌های ارتباط برقرار کردن با دیگران
گذران امور زندگی فردی و اجتماعی
عامل انسجام و یا عامل تمایز بخش
طرز تلقی برخاسته از بسترها، فرهنگ، تاریخ و....
عمل بر اساس مشی الگویی خاص
تطابق با معیار شناخته شده
شیوه برازنده و مناسب
شیوه مشخص بیان و گفتار و نوشتار
انتخاب مطلب و طرز ادای کلمات
مجموعه روش و طرق برای بیان نیت و افکار
شیوه به عنوان عامل زیباشناختی
گردآوری و ورزیده ساختن تمام مختصات و توانایی های فردی
یادآور و تداعی خاطرات جمعی
شیوه نظم بخشی و شیوه نگاه برخورد با امور

- ویژگی‌های توسعه صنعتی در یزد به لحاظ اجتماعی چگونه دسته بندی می‌شوند؟
 - توسعه صنعتی همسو با سبک زندگی یزدی‌ها چگونه قابل فهم و درک است؟
 - عرصه تعرض گونه توسعه صنعتی در یزد ناشی از چه عواملی است؟

روش پژوهش

در این نوشتار از رویکردهای مربوط به سبک زندگی، ارزیابی تأثیرات اجتماعی و سازگاری فعالانه یزدی‌ها به عنوان حساسیت نظری استفاده شده است و سعی شده هم رویکرد نظری مربوط به خود یزدی‌ها و رویکردهای نظری سبک زندگی یزدی‌ها در قالب سبک زندگی تطبیق پذیر و هم رویکردهای مداخله‌ای دولت در قالب ارزیابی تأثیرات اجتماعی سنجیده شود. و سوالات مرتبط با این حساسیت نظری شامل محورهای زیر است:.

خوانده شد و بازنگری شد. سه مرحله کد گذاری باز، محوری، و انتخابی، بر روی داده ها انجام شد. در طول مطالعه، روش هایی برای اطمینان از صحت و پایایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. تماس و ارتباط طولانی مدت محقق با محل های تحقیق، مدیران مربوطه و مشارکت کنندگان، به جلب اعتماد مشارکت کنندگان و نیز به درک محیط پژوهش توسط محقق کمک کرد. برای تأیید صحت داده‌ها و کدها از بازنگری شرکت کنندگان استفاده شد. یعنی، بعد از کدگذاری متن مصاحبه به شرکت کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود. کدهایی که از نظر شرکت کنندگان بیانگر دیدگاه آنان نبود، اصلاح شد. این روش یکی از وجوه مثلث‌سازی است که باعث اعتبار درونی تحقیق می‌گردد.

روش تحقیق در هر پژوهشی بسته به اهمیت آن پژوهش متفاوت بوده و به صورت کمی و کیفی قابل تفکیک است. روش مورد استفاده در این نوشتار روش کیفی و مردم‌نگاری بوده و با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون به تحلیل داده ها پرداخته شده است. حجم نمونه در این پژوهش ، 12 نفر از کارشناسان و خبرگان یزدی بوده که در ارتباط با سبک زندگی یزدی‌ها و توسعه صنعت در یزد مصاحبه شدند. مشارکت کنندگان در پژوهش، به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه‌ها به شیوه مصاحبه نیمه ساخت یافته با سؤالات کلی شروع، و به سمت سؤالات جزئی تر پیش رفت و هر مصاحبه حدود 20 تا 30 دقیقه طول کشید. همچنین، از اسناد و مطالعات یزدشناسان در تحلیل و تکمیل پژوهش استفاده شد. تمام مصاحبه ها ضبط و دست نویس شد. بعد از هر مصاحبه، متون استخراج و کلیه مصاحبه ها خط به خط

جدول 3. لیست مصاحبه‌شوندگان

ردیف	مصاحبه‌شوندگان	شغل	ردیف	مصاحبه‌شوندگان	شغل
1	شماره 1	یزدشناس	7	شماره 7	کارشناس
2	شماره 2	یزدشناس	8	شماره 8	استاد دانشگاه
3	شماره 3	کارشناس فرهنگ و ارشاد	9	شماره 9	یزدشناس
4	شماره 4	یزدشناس	10	شماره 10	کارشناس
5	شماره 5	کارآفرین	11	شماره 11	کارآفرین
6	شماره 6	استاد دانشگاه	12	شماره 12	یزدشناس

یافته‌ها

فرعی بسط می پذیرد، دسته بندی کرد: (1) توسعه صنعتی بومی تطبیق‌پذیر با سبک زندگی یزدی. (2) توسعه عاریتی و مداخله‌ای با پیامدهای ناخواسته. (3) الزام به بازگشت به صنعت بومی و مزیت ثبت جهانی یزد.

نتایج مطالعات توسعه صنعتی در یزد بر اساس اسناد و مدارک، و مصاحبه‌های میدانی را می‌توان در سه محور اصلی که ماهیت اجتماعی داشته و در ذیل مقولات اصلی و مقولات

جدول 4. مقولات اصلی و فرعی

مقولات اصلی	مقولات فرعی
توسعه صنعتی بومی تطبیق‌پذیر با سبک زندگی یزدی	پیشگامی و خوشنامی رهبران کارآفرین یزدی
	سخت کوشی، فرهنگ تولید و کار عامه مردم
	سبک زندگی بومی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر
	دیرینگی و سابقه تولید با تجارت و صنعت بومی
	علاقه مندی به یزد و هویت یزدی

توسعه عاریتی و مداخله‌ای با پیامدهای ناخواسته	نفوذ و همسویی با ساختارهای سیاسی
	گسترش صنایع سرمایه محور و ناسازگار
	اثرات پیامدی رواج فرهنگ مصرف و نمایشی و شهرنشینی دوگانه
الزام به توسعه صنعتی پایدار	لزوم بازنگری در سیاست های توسعه ناموزون در قالب یزد نوین
	تقویت صنایع بومی - سازگار
	تقویت صنعت گردشگری و ملزوماتش مانند کویرنوردی، کمپ‌های کویری، افروودسواری

صنعت تطبیق پذیر

به نظر می‌رسد که تاریخ ایران هیچ وقت عاری از صنعت و توسعه صنعتی نبوده، حتی در مقیاس کارگاهی و کوچک هم این روند ادامه داشته و اغلب با فرهنگ جامعه همسو و تطبیق پذیر بوده است. در این دوره فعالیتهای محدود و کارگاهی در صنعت یزد با تجارت ارتباط داشته و بخشی از حمیت یزدی را به خود اختصاص داده است. صنایع نساجی، شعربافی، ترمه بافی، دارایی بافی، سفال و سرامیک، حناسابی، تهیه ابریشم، شیرینی پزی و سایر فعالیتهای با فرهنگ و ساختار سنتی یزد و یزدی‌ها تناسب داشته است و یا به تدریج تطبیق پذیر شده است. این مرحله با ویژگی‌هایی چون وجود رهبران محلی و کارآفرین خوشنام، عامه مردم بومی سختکوش و معتقد، سبک زندگی سازگار با توسعه صنعتی بومی، دیرینگی صنعت بومی شناخته می‌شود.

نقش تجار و رهبران محلی خوشنام: شیرین کام و سعیدی (1389) کوشیده‌اند تا توصیف و تحلیلی از زندگی و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی خاندان برخوردار و فعالیتهای حاج محمد تقی برخوردار، پیشگام صنایع لوازم خانگی در ایران ارائه دهند تا بخشی از تاریخ تحولات اقتصادی معاصر آشکار و شناخته شود. ایشان معتقد اند: «خاندانی که نگرش شان به زندگی و کار اقتصادی چنین بود: زندگی اولش کار، وسطش کار و آخرش کار است». در این دوره، تجارت با صنعتی شدن و باسابقه بودن و دیرینگی باهم گره خورده است. همزمانی و همسویی تجارت و صنعت و سبک زندگی سازگار از مختصات آن بوده است. «حاج محمد تقی برخوردار عضوی از خاندانی است که بیش از سه نسل قریب

70 سال در عرصه محلی و ملی فعالیت تجاری داشتند. این خاندان در حالی که بیش از 50 سال فعالیت را صرف تجارت کرده بود، در دهه 1340 وارد عرصه صنعت شد و در طی دو دهه به تولید کالاهای صنعتی دست زدند. ظرفیت های مدیریتی در کنار اقتدار شخصی به خوشنامی تجار انجامیده است. در این باره آنان معتقدند: «شم اقتصادی بالا، توان مدیریتی، استفاده از مدیران ارشد و جذابیت شخصیت چهره‌ای از او [حاج محمد تقی برخوردار] ترسیم کرد بود که بسیاری از مشکلات را از سر راه بر می‌داشت»

پاسخ‌گوی شماره 1، از تجربه خویش درباره یزدی‌ها می‌گوید: «خود من هم شاهد این قضیه بوده‌ام. به تهران رفته بودم و توی بازار می‌خواستم دیگ زودپز بخرم. از قضا کارتم را جا گذاشته بودم. مغازه‌دار گفت آقا یزدی هستی و من شما را قبول دارم، جنس را ببر و شماره کارتت به من داد. من هم همین که به خانه رسیدم هزینه را به حسابش ریختم».

روحیه سخت‌کوشی و تطبیق پذیر عامه مردم: یکی از ویژگی‌های یزدی‌ها سختکوشی و روحیه سازگاری بوده که در این خصوص پاسخ‌گوی شماره 9 می‌گوید: «من عادت به کار داشتم نه من بلکه اکثر مردم همینطور بودند که عادت به کار داشتند یا کار می‌کردند و در کنار آن درس می‌خواندند یا اینکه فقط کار می‌کردند».

پاسخ‌گوی شماره 8، با استناد به اسناد تاریخی یزدی‌ها معتقد بود: «یزدی‌ها به هر سختی که بوده است از دل زمین آب لازم را برای کشاورزی تأمین می‌کرده‌اند و کم و کم به صنعت روی آوردند و اتفاقاً صنعتگران بسیار خوبی نیز شدند. یزدی‌ها لاجرم سختکوش بودند. یزدی سلام مجانی برای

کسی نمی‌کرد. سختکوشی واقعا جز خصلت یک شخصیت اصیل یزدی می‌باشد که سرمایه را برای توسعه کار و نه برای خوشگذرانی و گذراندن روزمرگی می‌خواهد».

از مجموع نظرات افراد مصاحبه شونده و اسناد به نظر می‌رسد سخت‌کوشی، ارمان طبیعت برای یزد و یزدی‌ها بوده است.

سبک زندگی بومی تطبیق‌پذیر و تجدیدپذیر: سبک زندگی تجدیدپذیر سبکی است که در آن شیوه زندگی مردم یزد بر پایه استفاده از مصالح موجود و بومی استوار بوده و سعی داشته‌اند تا چرخه کاملی از فرآوری را ایجاد کنند. در این نوع از سبک زندگی سعی بر این بود که نهایت استفاده اصولی از مصالح و محصولات بومی به عمل آید. پرتی به حداقل رسیده و دورریز نداشته باشد. این سبک در معماری و اقتصاد محسوس بوده و نمادی از روحیه همزیستی و تطابق به طبیعت و اقلیم را داشته است. پاسخ‌گوی شماره 4، معتقد است: «سبک زندگی یزدی‌ها را در قدیم سبک تجدیدپذیر می‌دانم. چون بر پایه استفاده و فرآوری کامل و بهینه از مصالح موجود است».

برخی ویژگی‌های سبک تطبیق و تجدیدپذیر عبارتند از:

- 1) مدیریت‌پذیری و کنترل‌پذیری طبیعت خشک و خشن:
- 2) این مدیریت از طریق ایجاد بادگیر، آب‌گیر یا آب‌انبار.
- 3) استفاده از خاک و مصالح بومی برای معماری که به نوعی کنترل خاک می‌انجامد.
- 4) استفاده بهینه و بهره‌وری بالا، قناعت داشتن، حساس‌گری و صرفه‌جویی بالا، روحیه پس‌انداز و چرخه فرآوری کامل محصول.
- 4) پذیرش فعالانه نه منفعلانه شرایط از طریق تلاش و کوشش و همزمان با زندگی ساده، معیشت محور، قناعت و تحمل شرایط سخت.
- 5) استفاده از مواد اولیه بومی و غیربومی و تبدیل آن به فرآورده و محصول و تنظیم زیست‌جمعی بر اساس محدودیت‌ها. برخی از کویر یزد به عنوان یک فرصت تاریخی و امنیت‌بخش نام می‌برند که همچون حصار سیصد کیلومتری زمینه را برای هرگونه تعدی، تجاوز، توجیه برای

حمله در طول تاریخ از بین می‌برده و کارکرد ناخواسته و پنهان خوبی برای سرنوشت یزد و یزدی‌ها داشته است. حتی برخی از پاسخ‌گویان پا فراتر گذاشته از «اخلاق آبی» سخن گفته‌اند که در آن، چون دسترسی به آب با محدودیت‌هایی روبرو بوده منجر به اراده تاریخی برای حفر انواع قنات‌ها، آب‌انبارها، آسیاب‌های آبی شده و زمینه سبک زندگی تطبیق‌پذیر یزدی را فراهم آورده است. پاسخ‌گوی شماره 4، بر جنبه‌های اعتقادی و مذهبی تطبیق‌پذیر توجه داشته و معتقد است: «اغلب تجار یزدی برنامه روضه خوانی داشتند و با روحانیت محل ارتباط داشتند. آنها قبل از ورود به کسب و کار، علم مکاسب یاد می‌گرفتند و مراکز علمی همیشه در مجاورت بازار بود».

دیرینگی و سابقه تولید با تجارت و صنعت بومی: دیرینگی فعالیت اقتصادی در یزد ریشه تاریخی داشته و در تاریخ یزد خبری از جنگ و یا درگیری نبوده و اغلب به عنوان یک شهر با هویت تجاری و در مسیر بارانداز کاروانهای تجاری عمل کرده و در این حرکت تاریخی از تجارت به صنعت پایدار و بومی سوق پیدا کرده است. پاسخ‌گوی شماره 11، می‌گوید: «یزدی‌ها براساس سابقه‌ای که در تاریخ دارند، شخصیت‌های اقتصادی [فراوانی داشته‌اند] که اسم آن‌ها در تاریخ یزد ثبت شده است و شخصیت‌های خیلی موفق بوده‌اند». اصل دیرینگی یک فعالیت اقتصادی با ماهیت شهری و امنیت نسبی به ظهور نوعی اخلاق انجامیده که قابل ذکر است. پاسخ‌گوی شماره 12، معتقد است: «چیزی که در یزد و یزدی‌ها مهم هست ظرفیت ساختاری خوب و امن برای تثبیت فعالیت‌های اقتصادی بوده که نتیجه را برای استقرار تجارت و صنعت فراهم آورده و این فرایند طولانی مدت و تاریخی بوده است».

صنعت عاریتی و مداخله‌ای

بر اساس شواهد و قراین، نقش سیاسی یزدی‌ها در ایران غیر قابل انکار بوده و این نقش آفرینی هم به دلیل روحیه سازگاران یزدی‌ها و هم به دلیل موقعیت ممتاز استان یزد در مرکز ایران باعث اقبال سیاسی و اقتصادی زیادی شده و سهم سیاسی یزدی‌ها را افزایش داده است.

گسترش صنایع سرمایه محور و ناسازگار: در این دوره که شاید در سراسر ایران حاکم بوده و بر اساس رویکرد نظریه قطب رشد و تمرکزگرایی در بخشهای مرکزی ایران از جمله استان و شهر یزد همراه بوده به افزایش قارچ وار و متعدد صنایع آب بر، سرمایه محور، با ظرفیت بالای نیاز به مهاجرت خاکستری و ناسازگار با ظرفیت‌های کویری یزد همراه بوده است. پاسخ‌گوی شماره 7، معتقد است: «صنایع میبد و اردکان باعث شده بزرگی شهرک صنعتی از شهر میبد بزرگ تر باشد». و پاسخ‌گوی شماره 9، می گوید: «آلودگی هوایی اردکان و میبد و یزد به قدری زیاد هست که بیماری‌های زیادی را متوجه مردم این شهرها کرده و نگرانی‌های زیادی برای آینده استان یزد دارد».

این دست تغییرات صنعتی و پرشتاب در یزد بیش از آنکه با توسعه پایدار و بومی این منطقه تناسب داشته باشد با ناپایداری و ناموزونی توسعه همراه بوده است. پاسخ‌گوی شماره 8، به عنوان یکی از مصاحبه شوندگان می گوید: «صنعتی شدن تأثیر بیشتری روی سبک زندگی یزد گذاشته است. مثلاً مشکل اصلی و در درجه اول، شرایط اقتصادی است».

یا پاسخ‌گوی شماره 5، بر این باور هست که: «اگر یک مقدار به عقب برگردیم از حوالی 1980 یعنی 1360 خودمان، صحبت کنیم موج انقلاب صنعتی آرام آرام وارد کشور شد... سیاست بسیار غلط، یزد را تبدیل به شهر صنعتی کردند و شهر صنعتی شد. بعد از انقلاب شدت گرفت. در مسیر یزد به اردکان ده‌ها شرکت فولاد وجود دارد. به یزدی که آب ندارد، (مجوز) شرکت فولاد می‌خواهد چه کار کند. این

کالبدشکافی توسعه در ایران نیازمند تلاش آکادمیک و تخصصی بوده و در این زمینه تلاش‌های زیادی هم صورت گرفته است. اما وجه مسلم و بارز در این زمینه فرایندهای مداخله دولت در قالب مدرنیزاسیون و نوسازی بوده که با خود، صنعت عاریتی را به ارمغان آورده است. این صنعت با همه محاسن و ظرفیت‌های وجودی در تولید کالا و اشتغال‌زایی و رونق اقتصادی، پیامدهایی داشته که غیرقابل انکار و چشم پوشی است. در این دوره ما شاهد شکل‌گیری و بروز برخی ویژگی‌های سازگار با صنعت و در عین حال عقلانیت‌انگیزی و فردگرایانه هستیم که در آن آثار و پیامدهای صنعتی شدن و توسعه بویژه در دوره بعد از انقلاب به تدریج جامعه یزدی را آستن تغییراتی در فرهنگ و جامعه کرده است. مهاجرت‌های بی رویه، افزایش انواع آلایندها، افزایش انواع آسیب‌ها، حاشیه نشینی، واریانس بالای تغییرات، چنددستگی زیست‌فضایی با تفاوت‌های فرهنگی شدید و گسست از جمله برخی از این تغییرات هستند. برخی ویژگی‌های ساختاری و اجتماعی در این دوره مقولات فرعی زیر هستند.

نفوذ و همسویی با ساختارهای سیاسی: مطالعات انجام شده در خصوص سبک زندگی یزدی‌ها دلالت بر نوعی همسویی یزدی‌ها با ساختار سیاسی و نفوذ در ساختار سیاسی برای امتیازگیری بوده است. نقش یزدی‌ها تنها محدود به یزد نبوده، بلکه در سطح ملی هم نقش آفرینی کرده‌اند. به ویژه، این نقش آفرینی در نظام سیاسی بعد از انقلاب کاملاً محسوس بوده است. حضور در انقلاب، نقش برجسته علما به ویژه، مرحوم شهید صدوقی و سایر روحانیون در کنار مردم یزد، حضور در جنگ و دوره‌های سیاسی بعد از جنگ باعث پررنگ شدن این نقش شده است. طبق گفته یکی از کارشناسان، شماره 3: «یزدی‌ها اصولاً هیچ وقت آدم‌های رادیکالی نبودند... در مقطعی به خاطر مسائل سیاسی، ورود سیاستمداران یزد در سطوح کلان مملکتی در بروکراسی تهران نقش داشته‌اند».

داره و کاری با دود و آلاینده‌ها ندارم. فقط با رانت و لابی مجوز می‌گیرند و بخاطر منافع خصوصی می‌سازند.»
و یا پاسخ‌گوی شماره 5، معتقد است که: «در یزد منافع گروهی از صاحبان صنایع بر نیاز و تقاضای جامعه اولویت دارد و به ناچار پیامدهای اجتماعی زیادی دارد.»
به طور کلی آثار و پیامدهای ناخواسته و منفی رشد صنعت ناموزون در یزد بر آثار مثبت آن چربیده و تعادلی بین تأثیرات مثبت و منفی ایجاد نشده و غلبه با تأثیرات منفی است تا مثبت.

الزام به بازگشت به صنعت بومی

از زمانی که یزد در 18 تیرماه 1396 به عنوان بزرگترین شهر خشتی جهان به ثبت جهانی رسید و ورود قابل توجه گردشگران را به همراه داشت، انگیزه‌های سیاستی برای بازگشت به صنعت بومی و تقویت منابع صنایع بومی و اصلیل، به شدت تقویت شد. در واقع تجارب انباشته یزدی‌ها از گذشته و ثبت جهانی یزد، تغییر در الگوی توسعه را اجتناب ناپذیر ساخته است.

لزوم بازنگری در سیاست‌های توسعه ناموزون: با جهانی شدن شهر یزد و لزوم بازنگری در سیاست‌های توسعه ناموزون، زمینه برای بازتعریف سیاست توسعه صنعت در یزد فراهم شده است. امروزه استان یزد و به تبع شهر یزد به تدریج در حال بازگشت به توسعه‌ای است که می‌تواند با سیاست‌های بومی و ظرفیتی توسعه در یزد همسو باشد. لذا این سیاست در مراحل اولیه و ابتدائی بوده و تنها در قالب یک چشم‌انداز تعریف شده و به نظر می‌رسد در صورت استمرار این سیاست، در آینده به پایداری توسعه صنعتی یزد کمک کند... طبق گفته پاسخ‌گوی شماره 8، «امروزه یزدی‌ها در بافت قدیمی دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند و بافت قدیمی که زمانی محل سکونت مهاجران غیرقانونی بوده به کانونی برای سرمایه‌گذاری و جذب گردشگر تبدیل شده است.»

فراوانی شرکت‌ها، تعداد کارخانه‌جات یزد اصلاً سرسام‌آور است.»

این صنعتی شدن با خود آثار و پیامدهایی داشته است. طبق گفته پاسخ‌گوی شماره 6: «بحث صنعتی شدن یزد هم قطعاً روی سبک زندگی در یزد تأثیر گذاشته است. انقلاب صنعتی یزد، تمام جغرافیای یزد را تغییر داد.»

سیاست توسعه بی‌قواره شهری در یزد در گسترش شهرک نشینی تأثیر داشته است. همین پاسخ‌گو در ادامه می‌گوید، «آن‌خانه‌سازی‌هایی که در توسعه یزد آن‌را به سمت شهرک‌های صنعتی برد، خیلی تأثیر گذار بودند.»

در کل الگوی توسعه صنعتی و شهری در یزد با خود آثار مثبت و منفی زیادی داشته اما آثار انباشتی و تراکمی و بلندمدت این توسعه در یزد منفی و بازدارنده بوده است تا مثبت و موثر و این رویه همچنان ادامه دارد.

اثرات فرهنگ مصرف و نمایشی و شهرنشینی دوگانه: یکی از ارمغان‌های مدرنیته، نوعی صنعت عاریتی با تقویت روحیه خودمحوری بود که پیامدهای آن فارغ از بهره‌مندی گروهی خاص، و رشد اقتصادی و انباشت ثروت، دارای تبعات زیست محیطی و آسیب‌های اجتماعی بوده است. در واقع، با ظهور مدرنیته و رونق اقتصادی در شهر یزد به واسطه سلطه اقتصاد رانتی و صنعتی ناهمخوان، شهر یزد شاهد دوگانگی فضایی محسوس در میان محلات بسیار فقیر و محلات غنی است که با خود، سبک زندگی خاص، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، تمایل به نمایش و مصرف متظاهرانه را به همراه دارد. به علاوه، آسیب‌های اجتماعی چون افزایش طلاق، خودکشی، حاشیه‌نشینی و ... نیز افزایش یافته است. این امر که متأثر از توسعه ناموزون و ناپایدار صنعتی است، به تشدید بحران بی‌آبی، افزایش ریزگردها و بیماری‌های صعب‌العلاج منجر گردیده و پیش‌بینی می‌شود همچنان تشدید گردد. پاسخ‌گوی شماره 1، معتقد است که: «هر دفعه نگاه می‌کنم صنعت در یزد مدام داره گسترش پیدا می‌کنه و بیشتر چشم و هم‌چشمی

انتظار می‌رود در روندهای آتی این سیاست بتواند نقش پررنگی را در توسعه استان ایفا کند.

تقویت صنعت گردشگری و ملزومات آن: به نظر می‌رسد اقتصاد و صنعت بومی و قدیمی یزد در کنار فرهنگ و معماری بومی آن، قابلیت جهانی داشته و توانسته ثبت جهانی شود، گویی یزدی‌های قدیم به شیوه‌ای عمل کرده‌اند که انسان امروزی آن هم با معیار و شاخص جهانی بر درستی و اصالت آن صحنه گذاشته و به جهانی شدن یزد انجامیده است. لذا با این پیش فرض، باید صنعت نوین نیز با محوریت تقویت ظرفیت‌های جهانی و پایدار صنعت باشد و در عین حال که جاذب گردشگر است، به تضمین توسعه پایدار استان یزد نیز کمک کند. پاسخ‌گوی شماره 1، معتقد است که «گردشگری و جهانی شدن یزد یک ظرفیت جدیدی است ما باید به دیدگاه یک سرمایه‌به‌گردشگران نگاه کنیم و به آنها احترام بگذاریم».

و یا اینکه پاسخ‌گوی شماره 5، معتقد است: «یزد ظرفیت زیادی برای گردشگری و آفرودسواری داشته و می‌توان در مقیاس جهانی زمینه را برای مسابقات صحرانوردی فراهم نمود».

در کل ظرفیتهای نوظهور و جدید توسعه در یزد نیازمند تلاش جدی برای تقویت آن و بسترسازی اجتماعی و فرهنگی برای گرایش به سمت گردشگری نوظهور بر حسب قابلیت‌های بومی و سازگار است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات انجام شده در دنیا و پیشنهادهای تجربی، نشانگر اهمیت توسعه صنعتی و بروز فرهنگ توسعه و فرهنگ صنعتی شدن است. برخی در رویکردهای جامعه‌شناسی اقتصادی نئومارکسیستی از شکل‌گیری مناسبات پیچیده کار و سرمایه‌داری، از فوردیسم تا پست فوردیسم سعی دارند نشان دهند که امروزه توسعه صنعتی و فرهنگ، ماهیت پیچیده‌ای

پاسخ‌گوی شماره 3، به عنوان یکی از مسئولان یزدی معتقد است که: «سیاست یزدی‌ها در مدیریت کلان‌دوره تغییر پیدا می‌کند و برای یزد چشم‌انداز جدیدی تعریف کردند که با آمایش سرزمینی آن تناسب دارد».

در کل سیاست‌های توسعه صنعتی یزد باید تغییر داده شود و این نیاز احساس شده و صورت‌بندی اولیه آن در قالب بازنگری در سیاست‌های توسعه در حال طرح‌ریزی است. هرچند، این اقدام غیر خطی بوده و ممکن است با فراز و نشیب‌های زیادی همراه باشد اما چشم‌انداز روشنی را نوید می‌دهد.

تقویت صنایع بومی و سازگار: هویت یزدی و یزدی‌ها در گذشته به ماهیت شهری، ترکیب‌گری و قابلیت‌های صنعت سازگار و بومی آن تناسب داشته است. این وضعیت در حال حاضر در حال بازگشت مجدد آنهم بر حسب آمایش سرزمینی و ظرفیت‌های بومی سازگار است. برخی از این ظرفیت‌ها به شرح ذیل می‌باشند: (1) محوریت تقویت بازگشت به تمدن کاریزی. (2) تلاش برای تقویت اقتصاد گلخانه‌داری. (3) صنایع موزون کشاورزی مانند پرورش شتر، شتر مرغ. (4) صنایع سازگار، نظیر ترمه بافی، شعرباقی و غیره. گرایش به شرکت‌های «دانش‌بنیان» که در حال حاضر تشدید یافته است. پاسخ‌گوی شماره 11، معتقد است: «شرکت‌های دانش‌بنیان در یزد مورد استقبال زیادی قرار گرفته و با تقاضاهای نسل جدید همسو است. انتظار می‌رود که در این بخش نیز شاهد شکوفایی زیاد باشیم».

و یا پاسخ‌گوی شماره 4، به تمایلات یزدی‌ها در صنعت کشاورزی گلخانه‌ای اشاره کرده و معتقد است: «یزدی‌ها در این صنعت پیشرفت محسوسی داشته‌اند و انتظار می‌رود در آینده در زمینه صادرات گلخانه‌ای پیشرفت محسوسی داشته باشند. و این یک صنعت همسو هست».

در کل سیاست یزد و یزدی‌ها در حال بازگشت و تقویت صنایع بومی سازگار و همسو با ماهیت کویزی یزد بوده و

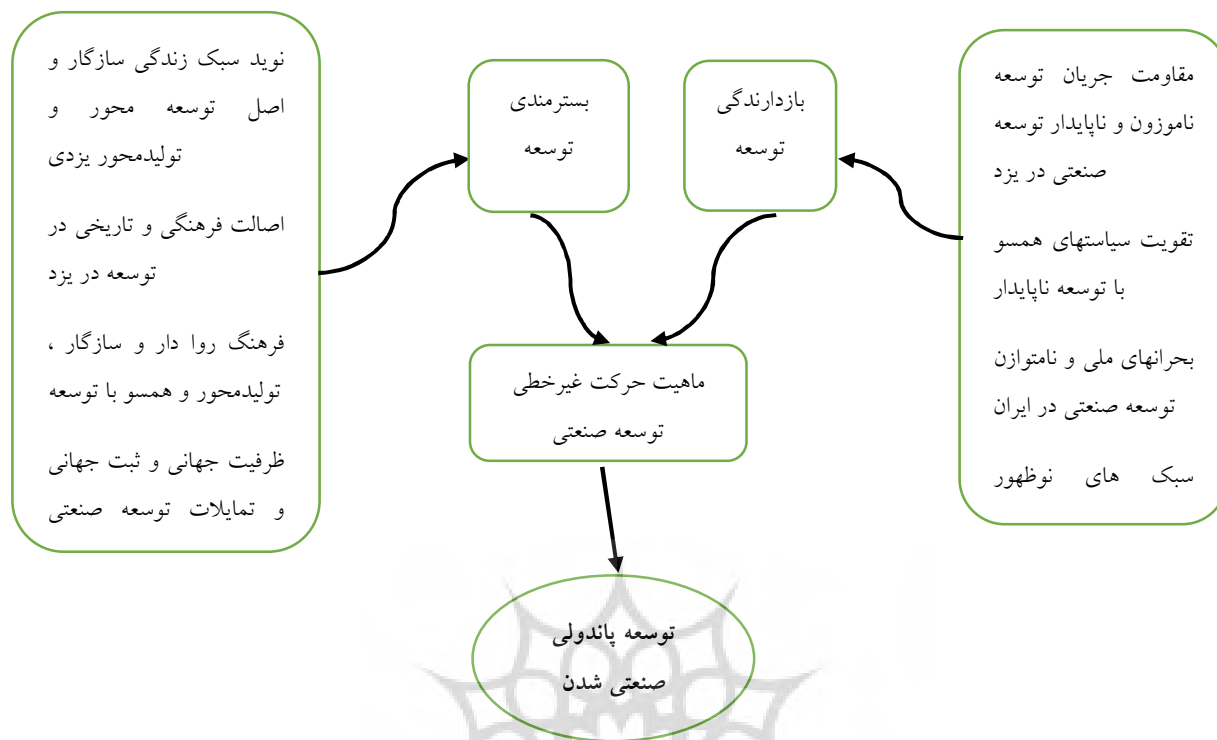
توسعه صنعتی در یزد که با انتقال آب از خلیج فارس برای تأمین آب بخش صنعت متعارض با زیست‌بوم یزدی همراه هست، ظهور و بروز تغییرات سبکی جدید در زندگی یزدی‌ها که با الگوی توسعه گرایبی بومی و تولید محور سبک زندگی در گذشته متفاوت بوده است؛ ظهور فناوری‌های جدید، تغییرات اقلیمی و ظهور بحرانهای زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی جدید باعث خواهد شد که روند خطی توسعه صنعتی پایدار ناممکن بوده و با حرکت کند و بطئی همراه باشد. و البته فرصتهای جدید و نوظهور نیز می‌تواند پشتیبان توسعه بومی پایدار در یزد باشد. اما آنچه مهم است روند توسعه صنعت پایدار در یزد به تبع ساختارهای کلان توسعه صنعتی در کشور، پرتلاطم بوده و متأثر از بحرانهای ملی ممکن است پر تنش باشد. این وضعیت با رویکردهای ارزیابی تأثیر اجتماعی همسو بوده و در اندیشه مرتن با طرح رویکرد نظری نظریه تعادل خالص همخوانی دارد. در این رویکرد، فرض بر این است که توسعه صنعتی صرفاً مثبت و یا منفی نبوده، بلکه بسته به وزن مثبت و یا منفی آن می‌تواند تأثیر گذار باشد. برآیند نهایی پژوهش در قالب نمودار 1، ترسیم شده است.

در انتها، موارد ذیل به عنوان پیشنهاد، مطرح می‌شود: (1) در توسعه صنعت در ایران و سایر استانها به تقاضای سبکی و فرهنگی تقویت کننده توجه بیشتری شود. (2) به نقش دانش بنیان ها بیشتر توجه گردد. (3) توسعه صنعت در یزد همسو با ارزشهای توسعه جهانی، فرهنگی و پایداری زیست محیطی همراه شود. در انتهای پژوهش، برآیند نهایی پژوهش به شکل نمودار شماره 1، ارائه می گردد.

به خود گرفته و از رویکرد ثوری و صرفاً علمی خود دور شده است. در واقع امروزه توسعه صنعتی ماهیت اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده و با مسئولیتهای اجتماعی خاص خود همراه شده است (ریتزر، 1396، 410).

تجربه و داستان توسعه به‌ویژه، توسعه صنعتی در ایران بسیار پر نوسان و پرتلاطم بوده و فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است. به نظر می‌رسد که این تجربه از یک تجربه بومی تا عاریتی و مداخله‌ای در نوسان بوده و آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی خاص خود را داشته است. برخی در توسعه ایران سخن از توسعه بزرگراهی و اتوبانی یا توسعه توسعه نیافتگی (آزاد ارمکی، 1397) به میان می‌آورند، برخی از توسعه و تضاد (رفیع پور، 1379) نام می‌برند، برخی توسعه در ایران را شبه مدرن قلمداد کرده و البته این رویکردها متعدد بوده و نشان دهنده واقعیتهای تلخ توسعه صنعتی در ایران و به تبع در یزد بوده است. البته در مقابل رویکردهای سلبی، رویکردهای متفاوتی از توسعه در یزد وجود دارد که در مطالعات اخیر از آن رویکرد با عنوان «استثنائی بر قاعده» (مرشدی، علی نژاد، 1400) نام می‌برند. در این رویکرد الگویی از توسعه در یزد با بستر امنیتی، کویری، فرهنگ رواداری و سازگار، روحیه سخت‌کوشی و قناعت پیشه و همچنین اصالت و قابلیت شهری و غیرکشاورزی و دامداری یزد تناسب داشته و توانسته تصویری از یزدی و یزدی‌ها ارائه دهد که می‌توان از آن به عنوان نهادسازی مثبت نام برد. این رویکرد یک تلقی سازگار بوده که با حرکت پاندولی توسعه، خواهان بازگشت به اصالت توسعه صنعتی خود است.

البته ماهیت پاندونی صنعت در یزد دلالت بر منطق روشی غیرخطی و پرتلاطم دارد. مقاومت الگوی ناموزون



نمودار 1. برآیند نهایی پژوهش

کنندگان که باعث به بار نشستن این پژوهش شدند، تشکر نمایند.

تضاد منافع: نویسندگان این مقاله تضاد منافع ندارند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش کلیه ملاحظات اخلاقی

مخصوص مطالعات کیفی رعایت شده‌اند و مشارکت کنندگان

با رضایت خاطر کامل در پژوهش شرکت کرده‌اند.

تقدیر و تشکر: این مقاله برگرفته از یک پژوهش مستقل

است. نویسندگان مقاله وظیفه می‌دانند از کلیه مشارکت

منابع فارسی

آزاد ارمکی، تقی. (1397). *اندیشه‌نوسازی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

اباذری، یوسف، چاوشیان، حسن. (1381). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. *نامه*

علوم اجتماعی، 20(2)، 3-27.

احمدی، سیروس. (1393). *جامعه‌شناسی صنعتی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

برادران شرکاء، حمیدرضا، هادی زنوز، بهروز. (1382). استراتژی تجاری و توسعه صنعتی در ایران (دوران قاجاریه تا انقلاب اسلامی 1357).

مجله برنامه و بودجه، 8(2)، 3-38.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519092.1382.8.2.1.0>

- بلیکی، نورمن. (1387). *طراحی پژوهش های اجتماعی*. ترجمه حسین چاوشیان. تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن. (1380). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات آگاه.
- تری لین، کارل. (1391). *معمای فراوانی رونق های نفتی و دولتهای نفتی*. ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: نشر نی.
- جعفری ندوشن، حسام الدین، زنجیرچی، سید محمود. (1399). ارائه مدل راهبردی توسعه پایدار صنعتی در استان یزد. *پژوهش مدیریت فردا*، 19(65)، 147-164.
- شریف زادگان، محمدحسین، نورایی، همایون. (1394). بررسی تحولات صنعت و توسعه صنعتی در ایران به منظور آسیب‌شناسی توسعه صنعتی ایران. *پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، 4(1)، 66-41.
- شیرین کام، فریدون، سعیدی، علی اصغر. (1389). *موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران عصر پهلوی زندگی و کارنامه حاج محمدتقی برخوردار*. تهران: گام نو.
- رفیع پور، فرامرز. (1379). *توسعه و تضاد*. تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- ریتزر جرج. (1396). *نظریه های جامعه شناسی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
- فاضلی، محمد. (1391). *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*. تهران: انتشارات تیسرا.
- فوران، جان. (1402). *تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، مقاومت شکننده*. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات رسا.
- قادریان، صباح، گلرومفرد، محسن. (1392). بررسی وضعیت نوآوری در خوشه صنعتی نساجی یزد. *مدیریت نوآوری*، 2(5)، 25-1.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (1400). *آسیب‌شناسی استراتژی توسعه صنعتی در ایران*. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات مجلس. شماره مسلسل 17860، 47-1.
- مرشدی، ابوالفضل، علی نژاد، منوچهر. (1400). *سازگاری فعالانه: درآمدی بر خلق و خوی اقتصادی یزدی‌ها*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- مرشدی، ابوالفضل. (1400). *تحلیلی انتقادی بر مدل های تبیینی کلان از تاریخ سیاسی اقتصادی ایران با تأکید بر تاریخ محلی شهر یزد*. نشریه جامعه شناسی تاریخی، 13(1)، 381-343.
- <http://dx.doi.org/13.1.343>
- علی نژاد، منوچهر، مرشدی، ابوالفضل. (1400). *سبک زندگی تطبیق پذیر و تجدیدپذیر: کاوشی بر بسترهای اجتماعی-فرهنگی سبک زندگی یزدی‌ها در گذشته*. نشریه فرهنگ یزد، 3(11)، 114-85.
- <https://doi.org/H10.22034/FYAZD.2023.420264.1091>
- وبلن، تورستین. (1403). *نظریه طبقه تن‌آسا*. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

References

- Abazari, Y. & Chavoshian, H. (2002). From social class to lifestyle: New approaches in the sociological analysis of social identity. *Journal of Social Sciences Letter*, 20(2), 27-3. [In Persian]
- Adler, A. (1954). *Understanding human nature*. New York: Fawcett.
- Ahmadi, S. (2014). *Industrial sociology*. Tehran: Sociologists Publication. [In Persian]
- Alinejad, M. & Morshedi, A. (2021). Adaptable and renewable lifestyle: An exploration of socio-cultural contexts, patterns and identifying spaces of the Yazdi lifestyle in the past. *Yazd Culture*, 3(11), 85-114. [In Persian]
- <https://doi.org/H10.22034/FYAZD.2023.420264.1091>

- Azad Armaki, T. (2018). *The idea of modernization in Iran*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Baradaran Shoraka, H. R. & Hadi Zenouz, B. (2003). Commercial strategy and industrial development in Iran (Within Qajar dynasty and the Islamic Revolution triumph). *Journal of Economic & Planning Research*, 8(2), 3-38. [In Persian]
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22519092.1382.8.2.1.0>
- Birou, A. (2002). *Dictionary of social sciences*. (B. Sarukhani, Trans.). Tehran: Agah Publication. [In Persian]
- Blaikie, N. (2008). *Designing social research*. (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Bole, D. (2021). What is industrial culture anyway? Theoretical framing of the concept in economic geography. *Geography Compass*, 15(11), 1-16.
- <https://doi.org/10.1111/gec3.12595>
- Byrne, D. (2002). Industrial culture in a post-industrial world: The case of the North East of England. *City*, 6(3), 279-289.
- <http://dx.doi.org/10.1080/1360481022000037733>
- Fazeli, M. (2012). *Social impact assessment*. Tehran: Tisa Publication. [In Persian]
- Foran, J. (2023). *Fragile Resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution*. (A. Tadayon. Trans.). Tehran: Rasa Publication. [In Persian]
- Ghaderian, S. & Golromofrad, M. (2013). Innovation status in Yazd textile industrial cluster. *Innovation Management Journal*, 2(5), 1-25. [In Persian]
- Jafari Nadushan, H. & Zanjirchi, S. M. (2019). Designing a strategic model for industrial sustainable development in Yazd province. *Modiriat-E-Farda Journal*, 19(65), 147-164. [In Persian]
- Jane, Z. & Chan, R. (2014). The impact of 'creative industry clusters' on cultural and creative industry development in Shanghai. *City, Culture and Society*, 5(1), 9-22.
- <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2013.08.001>
- Majles Research Center. (2021). Pathology of industrial development strategy in Iran. *Deputy for Economic Research, Majles Research Center*, 17860, 1-47. [In Persian]
- Morshedi, A. & Alinejad, M. (2021). *Active adaptation: An introduction to the economic temperament of the Yazd people*. Yazd: Yazd University Press. [In Persian]
- Morshedi, Abolfazl. (2021). A critical analysis of large explanatory models of Iranian political and economic history by emphasizing on the local history of Yazd. *Journal of Historical Sociology*, 13(1), 343-381. [In Persian]
- <http://dx.doi.org/13.1.343>
- Rafipour, F. (2000). *Modernization conflict*. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar Publication. [In Persian]
- Ritzer, G. (2017). *Sociological theory*. (H. Naibi, Trans.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Shirin Kam, F. & Saedi, A. A. (2010). *The position of businessmen and industrialists in Iran during the Pahlavi era: The life and work of Haj Mohammad Taghi Barkhordr*. Tehran: Game No Publication. [In Persian]
- Sharifzadegan, M. H. & Nouraei, H. (2015). Analysis of industrial evolution and developments in: Pathology of industrial development in Iran. *Economic History Studies*, 4(1), 41-66. [In Persian]
- Terry Lynn, K. (2012). *The paradox of plenty: Oil booms and petrostates*. (J. Khairkahan, Trans.). Tehran: Nay Publishing. [In Persia]
- Veblen, T. (2024). *The theory of the leisure class*. (F. Ershad, Trans.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]